

بررسی توثیقات عام رجالی

□ سید رضی موسوی ۱

□ کاظم صالحی ۲

چکیده

یکی از مباحث مهم در علم رجال بحث توثیق (تأیید) روایات حدیث از طرف اهل خبره می‌باشد؛ که این توثیقات بدو نوع انجام می‌شود. توثیق عام و توثیق خاص، مراد از توثیق خاص آن است که اول: نص بر توثیق باشد نه مدح و ترحم. دوم بیان کننده چنین توثیقی یکی از اعلام متقدم در علم رجال و درایه باشد؛ اما در توثیقات عام، راه‌های وجود دارد که راویان را به صورت عام و در عناوینی کلی، مثل اصحاب اجماع، به عنوان ثقه معرفی می‌کند. عنوان اصحاب اجماع، بر گروهی ویژه از راویان احادیث اطلاق می‌شود که در سده‌های دوم و سوم هجری قمری که از بزرگان پرورش یافته‌ای مکتب امام باقر، امام صادق، امام کاظم و امام رضا (علیهم السلام) به شمار می‌روند، بر مقام علمی و فقاہتشان اجماع و اذعان شده است. روش تحقیق کتاب خانه‌ای تحلیلی و توصیفی بود. در این تحقیق ثابت گردیده که توثیقات عام خود دلیل مستقل در مقابل ادله دیگر نیست؛ بلکه بعنوان یک مؤید و تقویت کننده ادله دیگر است.

کلید واژها: توثیق عام، اصالت الصّحّه، اصالت العدالّه، اصحاب اجماع.

۱ دانش آموخته سطح ۴ جامعه المصطفی عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعَالَمِيَّة

۲ دانش آموخته سطح ۴ جامعه المصطفی عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعَالَمِيَّة

مقدمه

یکی از مباحث مهم در علم رجال بحث توثیقات می‌باشد، توثیق در اصطلاح حدیثی به دو معنا اطلاق می‌شود. توثیق عام، توثیق خاص. مراد از توثیق خاص این است که در مورد یک شخص معین دلائلی داشته باشیم که دلالت بر مورد اطمینان بودنش در امر حدیث و روایت داشته باشد. مثل نص بر توثیق (نه مدح و ترحم) توسط یکی از اعلام متقدم در علم رجال و درایه باشد. در توثیقات عام؛ شیوه‌های وجود دارد که راویانی را به صورت عام و به صورت ضمنی در قالب عناوینی کلی تأیید می‌کند؛ مثلاً اصحاب اجماع را به عنوان ثقه معرفی می‌کند. توثیق عام به مثابه یک قاعده و ضابطه‌ای است که موجب توثیق قانون‌مند عده‌ای می‌شود. اصحاب اجماع گسترده‌ترین و مهم‌ترین شیوه در میان توثیقات عام به شمار می‌رود که در مجموع بیست دو تن از راویان مهم را در بر می‌گیرد. توثیقات عامه بر چند اصل استوار است. اصالة العدالة. اصالة الصحة و اصالة عدم الوثاقه.

بیان موضوع

توثیق در اصطلاح تأیید صداقت در گفتار است. در لغت: ماده توثیق از [وَتَّق] و مصدر آن [وَتَّق] می‌باشد که به معنای اعتماد است. و تَق به وثوقاً و ثقة یعنی به او اعتماد کردند. (ابن منظور، ج ۱۰، ص ۳۷۱) هر دو به یک معنا است که اعتماد به گفتار راوی احادیث باشد. گاهی این تأیید به شخص و فرد معین با اسم اوصاف است. گاهی تأیید صفت یک مجموعه یا معنای عام است که چندین فرد را در بر می‌گیرد. مثل تعبیر علمای رجالی به مشایخ، راویان تفسیر قمی و اصحاب اجماع؛ مشایخ، راویان و اصحاب یک معنای عام است می‌تواند افراد کثیر داشته باشد. اصحاب اجماع گسترده‌ترین و مهم‌ترین شیوه در میان توثیقات عام به شمار می‌رود.

۱- اصول و قاعده توثیقات

اصالت العدالة، اصالت الصحة و اصالت عدم الوثاقه.

۱- اصالت العدالة:

یعنی اصل درباره راوی عدالت است که اگر قرینه و دلیلی از خارج درکار نبود به مقتضای آن عمل می‌شود. البته این اصل بین علما محل خلاف است و شیخ صدوق (ره) به این اصل اعتماد نمی‌کند، ایشان می‌گویند: هر کسی را که شیخ او محمد بن الحسن بن ولید تصحیح کند، به وی اعتماد می‌شود. ولی آنچه مشهور است و مرحوم سید خوئی نیز به آن تصریح می‌کند این است که حسن ظاهر کاشف از عدالت است، و می‌فرماید: حسن الظاهر و المراد به حسن المعاشرة و السلوک الدینی به حیث لو سئل غیره عن حاله لقال لم نر منه إلا خیرا. (خویی، ۱۴۱۰ : ۸ / ۱) این بیان تأیید برای اصالت الدالة به حساب می‌آید که درحقیقت مسلمان بودن و عدم ارتکاب فسق، حسن ظاهر است و زمینه‌ای برای اصالت العدالة به حساب می‌آید؛ اما عدم اعتماد شیخ صدوق (ره) به اصالت العدالة، اشکالی ندارد؛ زیرا ایشان به شیخ خود - ابن ولید - اعتماد کرده و بر اصالت العدالة اعتماد می‌کند. (مصطفوی، ۷۲). ولی حقیقت این است که اصالت العدالة یک اصل معتبر شرعی نیست، زیرا اولاً؛ مجموعه ادله‌ای که برای اصالة العدالة می‌توانیم محل استناد قرار دهیم، روایات اخلاقی است و نمی‌توان حکم فقهی را مستند به حدیث اخلاقی کرد. ثانیاً توثیق غیر از عدالت است. توثیق هزینه بیشتر می‌طلبد، برای توثیق باید موثقی بگوید فلانی ثقة، عین، ثقة یعتمد علی روایتی که توثیق نشانه اعتبار است. (همان).

۲- اصالة عدم الوثاقه

این اصل دستمایه و ویژه علم رجال است. در علم رجال بنابراین است که باید از وثاقت فحص شود، بر هر روایت که بر می‌خوریم از کجا بدانیم که این راوی در گفتارش صادق است. وثاقت یک امر وجودی است، نیاز به اثبات دارد. پس از وثاقت فحص شود، این

معنای اصالة عدم وثاقت است. حقیقت این است که به دلیل اهمیت روایت و به جهت جعلی که در روایات صورت گرفته و خطر فراگیری و هم‌چنین سیره متقدمین، درباره وثاقت راوی، اصالة الصحة را جاری نمی‌شود، به عبارت دیگر، اصالة الصحة در قول راوی، به توسط متقدمین از محدثین تخصیص خورده است. (کلیات و مبانی علم رجال، ص ۷۳).

۳- اصالة الصحة:

اصالة الصحة یک اماره عقلای است، دلیل اصلی آن سیره عقلا است. راوی که روایت را نقل می‌کند، اگر احتمال برخلاف نبود، حمل بر صحت کرده و تصدیق می‌شود. اصالت صحت: هر شی را شک کردیم در صحت و بطلان آن اصل اولیه صحت آن شی است تا زمان که خلاف آن کشف نه شده. اگر خبر از انسان بالغ، عاقل و ثقه برسد اصل صحت آن خبر است تا کشف خلاف نه شده. دلیل عقلی که همان اختلال نظام باشد نیز در این مورد وجود دارد. پشتوانه اصلی آن، همان بناء عقلا است. حمل بر صحت، یک امر عقلای است. حمل بر صحت کردن و تصدیق فعل طرف مقابل، شرط اسلام راوی هم ندارد؛ بنابراین راوی که روایت را نقل می‌کند، اگر احتمال برخلاف نبود، حمل بر صحت کرده و تصدیق می‌کنیم. (خوئی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۳۱۳)

۲- توثیقات عام

توثیقات عام به دسته تقسیم می‌شود؛ توثیقات عام مشهور و توثیقات عام غیر مشهور.

۲/۱- توثیقات عام مشهور

در علم رجال بحث توثیقات یکی از ارکان مهم مباحث اصلی می‌باشد، هر چند مورد بحث ما توثیقات عام است، ولی برای شناخت اجمالی قبل از توضیح توثیقات عام، اشاره‌ای به توثیق خاص داشته باشیم؛ مراد از توثیق خاص این است که در مورد یک شخص معین؛ دلائلی داشته باشیم که دلالت بر مورد اطمینان بودنش در امر حدیث و روایت داشته باشد بدون اینکه اجمال، ابهام و عمومیتی در کار باشد موارد متعددی برای توثیق خاص عنوان شده

است که اختصاراً به برخی از آنها که در کلام مرحوم خوئی آمده ایشان می‌فرماید: شرط تحقق چنین توثیقی آن است که اولاً: نص بر توثیق باشد نه مدح و یا ترحم. دوم: بیان‌کننده چنین توثیقی یکی از اعلام متقدمین در علم رجال و درایه باشد. (معجم الرجال الحدیث، ج ۱، ص ۴۱). رجالیون موارد متعددی برای توثیق عام ذکر نموده‌اند که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنم.

یک- (مروی عنه اصحاب اجماع) که اصحاب اجماع خود به سه دسته‌ای شش نفری تقسیم می‌شود هر دسته، وصف خاص دارد. مجموع اصحاب ۱۸ نفرند و همه‌ای آنان فقیه‌اند. دو- (سند تفسیر قمی) سه- (سند کامل زیارة) چهار- (توثیقات م‌شایخ ثلاثه) و اعتبار مراسل آنان. منظور از اصحاب اجماع: اصطلاح رجالی است برای گروهی از نخبگان و راویان که موثق هستند. همه علمای درایه و حدیث به روایاتی که از آنان به طریق صحیح نقل شده، بدون هیچ تردیدی اعتماد می‌کنند و آن‌ها را صحیح می‌شمارند و عمل به آن‌ها را لازم می‌دانند، اگرچه آنان از افراد مجهول و یا ضعیف نقل روایت کرده باشند؛ بنابراین عنوان اصحاب اجماع، برگروهی ویژه از راویان احادیث در سده‌های دوم و سوم هجری قمری که از بزرگان پرورش یافته‌ای مکتب امام باقر، امام صادق، امام کاظم و امام رضا (علیهم السلام) به شمار می‌روند و بر توثیق روایاتشان و مقام علمی و فقاہتشان اجماع و اذعان شده است، اطلاق می‌شود. (کشی، ۱۴۹۰ هـ ق، ج ۲، ص ۶۷۳). شواهد رجالی نشان می‌دهد که نخستین بار ابو عمرو کاشی در رجال خود از مسأله اصحاب اجماع سخنی به میان آورد. (معجم الرجال، ج ۱، ص ۵۹). در توثیقات عام، راویان را به صورت عام و به صورت ضمنی در قالب عناوینی کلی، هم‌چون اصحاب اجماع، به عنوان ثقه معرفی می‌کند. کلیات فی علم الرجال در این باره می‌گوید: توثیق عام به معنای بیان قاعده و ضابطه‌ای است که موجب توثیق قانون‌مند عده‌ای از روایت می‌شود. (سبحانی، ۱۴۲۱: ۱۵۱) عنوان اصحاب اجماع که در مجموع ۲۲ تن از راویان مهم را در بر می‌گیرد، گسترده‌ترین و مهم‌ترین شیوه در میان توثیقات عام به شمار می‌رود. از این رو آقای سبحانی (حفظه الله) در کلیات علم رجال آورده است: إن البحث عن أصحاب الاجماع من أهم أبحاث الرجال. (کلیات فی علم

الرجال، ص ۱۶۵). در خاتمة المستدرک می فرماید: وقد أشار إليه المحدث النوری وقال: إنه من مهمات هذا الفن، إذ على بعض التقادير تدخل آلاف من الأحاديث البخارجة عن حريم الصحة إلى حدودها أو يجري عليها حكمها؛ از مباحث مهمّ رجال بحث اصحاب اجماع است؛ زیرا طبق برخی از برآوردها هزاران حدیثی که صحیح قلمداد نمی شوند به یمن همین بحث، صحیح یا در حکم صحیح تلقی خواهند شد. (نوری، ۱۴۱۷، ۷/۷) در بین علمای رجال قاعده‌ای معروفی است به نام اصحاب اجماع که در تعداد افراد این مجموعه اختلافاتی است، اما روشن است که قدامت عده‌ای به خصوص از اصحاب را استثناء کرده بودند و هر آنچه که آنان نقل می کردند اگر چه برخی از معیارهای حدیث صحیح را هم نداشت، به علت جایگاه رفیعشان و دقت‌های بی نظیری که آنان در جمع آوری احادیث داشتند، قبول می کردند. بنابراین یکی از توثیقات عام، مروی عنه اصحاب اجماع است، یعنی وثاقت کسانی است که اصحاب اجماع از آنان روایت نقل نموده‌اند و از آنان توثیق خاصی در دست نیست. به عنوان مثال اگر در سند روایتی افراد موثقی وجود داشت تا یونس بن عبدالرحمن (که از اصحاب اجماع است)، پس مروی عنه یونس بن عبدالرحمن هم ثقه حساب می گردد هر چند آن فرد مجهول تلقی شده باشد. (مصطفوی، ۱۳۹۲، ص ۸۱).

الف - دسته بندی اصحاب اجماع

منبع اصلی اصحاب اجماع کلام معروف مرحوم شیخ کشی است که در کتاب رجال خود فقهای اصحاب را به سه دسته شش نفری تقسیم نموده و درباره هر دسته، وصف خاص ذکر کرده است که مجموع اصحاب ۱۸ نفرند و همه ای آنان فقیه‌اند.

۱. الف - دسته اول شیخ کشی درباره دسته اول می فرماید: اجمعت العصابة علی تصدیق هؤلاء الاولین من اصحاب الصادقین [علیه السلام]، همه ای فقها اجماع دارند بر تصدیق آن شش نفر از دسته اول که از اصحاب امامین صادقین [علیه السلام] هستند. فقیه برجسته این دسته زراره ابن اعین است، و این شش نفر عبارتند از: زراره بن اعین، برید بن معاویه، معروف بن خربوذ، ابوبصیر اسدی، فضیل بن یسار نهدی و محمد بن مسلم طحان طایفی

ثقفی. بعضی به جای ابوبصیر اسدی، ابوبصیر مرادی لیث بن مراد بختری را روایت کرده‌اند.

۲. الف- دسته دوم مرحوم شیخ کشی درباره این دسته فرموده است: اجمعت العصابة علی تصحیح مایصح عن هؤلاء و تصدیقهم لما یقولون. دسته دوم فقط از اصحاب امام صادق (علیه السلام) هستند و فقیه برجسته آنان جمیل بن دراج است. این شش نفر عبارتند از: جمیل بن دراج، عبدالله بن بکیر، عبدالله بن مسکان، ابان بن عثمان، حماد بن عیسی و حماد بن عثمان. ابواسحاق فقیه وی ثعلبة بن میمون از راویان مورد وثوق امام ششم و امام هفتم (علیه السلام) و از فقهای بزرگ شیعه بوده است و اینان اصحاب جوان (نه اصحاب کثیر الحدیث) امام صادق (علیه السلام) بودند.

۳. الف- دسته سوم درباره این دسته فرموده است: اجمع اصحابنا علی تصحیح مایصح عن هؤلاء، دسته سوم از اصحاب امام کاظم و امام رضا (علیهما السلام) هستند و فقیه برجسته آنان یونس بن عبدالرحمن است. این شش نفر عبارتند از: یونس بن عبدالرحمان، صفوان بن یحیی، حسن بن محبوب، محمد بن ابی عمیر، عبدالله بن مغیره و احمد بن محمد بن ابی نصر، بعضی از دانشمندان دینی به جای حسن بن محبوب، حسن بن علی بن فضال و یا فضالة بن ایوب را مطرح کرده‌اند. برخی هم به جای فضالة بن ایوب، عثمان بن عیسی را یاد کرده‌اند. یونس بن عبدالرحمان و صفوان بن یحیی افقه این دسته است. (کشی، ص ۱۳۵).

بررسی بیانات مرحوم شیخ کشی درباره اصحاب اجماع

مرحوم شیخ کشی فرموده‌اند: اجمعت العصابة علی تصحیح مایصح عن هؤلاء و تصدیقهم لما یقولون. برداشت مشهور از این متن این است که این اصحاب اجماع روایتی را که نقل می‌کنند بدون واسطه یا با واسطه از معصوم، نقل آنان به اتفاق اصحاب مورد تصدیق است؛ بنابراین اگر یک راوی توثیق نداشته باشد، ولی یکی از اصحاب اجماع از آن راوی مجهول روایت نقل کند موجب توثیق آن می‌شود، به این ترتیب نقل اصحاب اجماع در حقیقت توثیق عام است. چنانکه مرحوم فیض کاشانی می‌فرماید: وقد فهم جماعه المتأخرین من قوله اجمعت العصابة علی تصحیح مایصح عن هؤلاء الحكم بصحة الحدیث

المنقول عنهم و نسبه الى اهل البيت (عليهم السلام) به مجرد صحته عنهم من دون اعتبارالعدالة في من يرون عنه. (محمد محسن، ۱۴۰۶ هـ ق، ج ۱، ص ۲۷). یعنی گروهی از متأخرین از متن فوق این برداشت را نموده‌اند که نقل اصحاب اجماع معتبر است هر چند از راوی غیر معتبر وضعیف نقل کنند که اعتبار در خود آنان نهفته است. می‌فرماید: و أنت خبير بأن هذه العبارة ليست صريحة في ذلك ولا ظاهرة فيه فإن ما يصح عنهم إنما هو الرواية لا المروى بل كما يحتمل ذلك يحتمل كونها كناية عن الإجماع على عدالتهم و صدقهم به خلاف غيرهم ممن لم ينقل الإجماع على عدالته. (همان).

خلاصه فرمایش مرحوم محدث کاشانی این است که از عبارت بالا توثیق مروی عنه استفاده نمی‌شود، بلکه منظور از تصدیق و اعتماد به ما یصح عنهم اعتماد به روایت آن ۱۸ نفر است که اصحاب اجماع دارند بر اعتماد به روایتی که هر یک از آن بزرگوارن نقل کند و این اعتماد عمومی کنایه از عدالت قطعی آنان است.

مرحوم سید خوئی می‌فرماید: ماذکره متین لاغبار علیه، ان الاجماع قد انعقد على وثاقتهم وفقههم و تصديقهم في ما يرونه. (معجم الرجال، ج ۱، ص ۶۰)، یعنی آنچه را که صاحب وسایل بیان نموده متین، زیرا اجماع منعقد است نسبت به وثاقت اصحاب اجماع و مقام فقهی آنان و بر تصدیق کردن آنها نسبت به روایتی که نقل کنند و این اجماع دلالتی بر وثاقت مروی عنه آنان ندارد. اضافه بر این، (ان الاجماع المنقول به خبر الواحد ليس بحجة) (همان). این اجماع یک اجماع منقول است از اساس حجیت و اعتبار ندارد. (مصطفوی، ص

ب - سند تفسیر قمی

روایتی که در اسناد کتاب تفسیر قمی قرار دارند حکم به وثاقت آنان شده است. در مقدمه این تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم، وی گواهی می‌دهد که تمام روایات این کتاب را از مشایخ و ثقات نقل کرده است. و رواه مشایخنا و ثقاتنا عن الذين فرض الله طاعتهم، ين كلمة و ثقاتنا عن الذين فرض الله طاعتهم که ائمه باشند ثقات روایتی که علی بن ابراهیم از

انها نقل می‌کند می‌فرماید من در این سند ذکر می‌کنیم از ان مشایخ، مشایخ در اصطلاح رجال مروی عنه راوی است و بعد آن روایتی دیگری که به واسطه باشد باز هم مشایخ به حساب می‌آید. (قمی، ۱۳۶۳ ه-ش، ج ۱، ص ۴ و درس خارج آیت الله مصطفوی نیا ۱۳۹۰/۹/۲۳) قال صاحب الوسائل بعد ما ذکر شهادة علی بن ابراهیم بأن روایات تفسیره ثابتة و مرویة عن الثقات من الأئمة، برخی از فقها مانند مرحوم صاحب وسایل به این گفته علی بن ابراهیم قمی استناد کرده و فرموده است: به اینکه تمام روایات که در تفسیر قمی آمده، ایشان آنها را از راویان مورد اعتماد ائمه (علیهم السلام) نقل نموده است و مرحوم خوئی (ره) نیز درباره اعتبار سند تفسیر قمی می‌فرماید: أقول: إن ما ذكره متین، فی حکم بوثاقه من شهد علی بن ابراهیم بوثاقته، ایشان می‌فرماید: آنچه را که صاحب وسایل ذکر نموده سخن خوبی است؛ بنابراین حکم می‌شود به وثاقت تمام راویان که علی بن ابراهیم در سند تفسیر خود به وثاقت آنها گواهی داده است. (خویی، ج ۴، ص ۵۰). صاحب وسایل (ره) در وسایل الشیعه می‌گوید: که من در نقل روایات وسایل به کتب اربعه اکتفا نکردم و از کتاب‌های معتبری دیگری مثل تفسیر قمی (ره) نیز روایت نقل کرده‌ام. (عاملی، ۱۴۱۸ ه ق، اول، قم- ایران، ج ۱، ص ۰۷).

ج - سند کامل الزیارات

حکم به وثاقت کسانی که در اسناد کتاب کامل الزیارات قرار دارند: در مقدمه کامل الزیارات، (صفحه ۴) ابن قولویه در توصیف کتابش می‌گوید: بانا لانحیط به جمیع ماروی عنهم... لکن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته ولا اخرجت فیه حدیثا روی عن الشذاذ. (قمی، ۱۳۹۸ ه ق، ص ۴) یعنی افرادی که از آنها نقل روایت شده است ممکن فعلاً دسترسی به سند وثاقت آنها نداشته باشم ولی من روایات این کتاب را از ثقات اصحاب (از راویان مورد اطمینان ما بوده) نقل کرده‌ام. آقای سید خوئی (ره) می‌فرماید: و بما ذکرناه نحکم بوثاقه جمیع مشایخه الذین وقعوا فی إسناد کامل الزیارات ایضاً،... این کلام ابن قولویه باعث شده تا عده‌ای از علما قاعده‌ای را

طرح کنند که هر شخصی در سلسله اسناد کامل الزیارات باشد، ثقه و مورد اعتماد است، فإنک ترى أن هذه العبارة واضحة الدلالة على أنه لا يروى في كتابه رواية عن المعصوم إلا وقد وصلت إليه من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله؛ يعنى عبارت ابن قولويه تصریح دارد که از هر کسی وی روایت نقل نموده، آنان جزء موثقین و معتمدین بوده‌اند. (خویی، ج ۱، ص ۵۰)

بنابر این همانطوریکه سید خوئی (ره) فرموده است اگر نام یک راوی که دارای توثیق خاص نیست و در کتاب کامل الزیارات ذکر شده باشد، به عنوان توثیقات عام به او می‌توان اعتماد نمود. (مرتضوی، ص ۸۰)

د- توثیقات عام مشایخ ثلاثه و اعتبار مراسل آنان

تعدادی از بزرگان حدیث و راویان مشهور به عنوان مشایخ ثقات یاد شده و از این عنوان دو امر استفاده شده است: یک تمام کسانی که مشایخ ثقات از آنان روایات کرده‌اند در حکم ثقه خواهند بود. دو همان گونه که به مسانید آنان عمل می‌شود، به مراسیل (روایات مرسل) آنان نیز عمل می‌گردد. از موارد توثیقات عام و مشهور، توثیقات مشایخ ثلاثه است که آن‌ها عبارتند از محمد بن عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بن زنی (رحمهم الله). نخستین بار شیخ طوسی (ه) از این مسأله سخن به میان آورده است ایشان می‌گوید: وإذا كان أحد الراويين مصرحاً والآخر مدلساً، فليس ذلك مما يرجح به خبره، لان التدليس هو: أن يذكره به اسم أو صفة غريبة أو ينسبه إلى قبيلة أو صناعة وهو به غير ذلك معروف فكل ذلك لا يوجب ترك خبره. وإذا كان أحد الراويين مسنداً والآخر مرسلًا، نظر في حال المرسل، فان كان ممن يعلم انه لا يرسل الا عن ثقة موثق به فلا ترجح لخبر غيره على خبره، ولاجل ذلك سوت الطائفة بين ما يرويه محمد بن أبي عمير وصفوان بن يحيى، وأحمد بن محمد بن أبي نصر وغيرهم من الثقات الذين عرفوا بأنهم لا يروون ولا يرسلون الا عن موثق به وبين ما أسنده غيرهم، و لذلك عملوا بمرسلهم إذا انفردوا عن رواية غيرهم. فاما إذا لم يكن كذلك، ويكون ممن يرسل عن ثقة وعن غير ثقة، فإنه يقدم خبره غيره عليه، وإذا

انفرد و جب التوقف فی خبره إلی أن یدل دلیل علی وجوب العمل به. (طوسی، ج ۱، ص ۳۸۶). اگر یکی از دو راوی مسند و دیگری مرسل باشد، به مرسل نگاه می‌کنیم، اگر جزء کسانی است که می‌دانیم جز از روایات ثقه نقل نمی‌کند، روایت مسند نسبت به او ترجیح ندارد. بدین خاطر امامیه روایات محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، احمد بن محمد بن ابی نصر و سایر ثقاتی که شناخته شده‌اند که تنها از روایان ثقه روایات را نقل می‌کنند، با روایاتی که دیگران با سند ذکر می‌کنند، برابر دانسته‌اند؛ و به مراسیل آنان در صورتی که به صورت منفرد ذکر شده باشد، عمل می‌کنند؛ اما اگر چنین نباشد و جزء کسانی باشد که از ثقه و غیر ثقه نقل می‌کند، روایت مسند بر او مقدم است؛ و اگر هم روایت او به صورت منفرد و تنها نقل شده باشد باید نسبت به آن توقف کرد تا دلیلی بر وجود عمل به آن برسد. از این عبارت شیخ طوسی دو نکته اساسی قابل استفاده اس.

یک توثیق عام به صورت کلی، یعنی هر گاه کسی روایات را به صورت ارسال نقل می‌کند، از چنان احتیاط و دقتی برخوردار باشد که بدانیم تنها از ثقه نقل می‌کند، حکم روایات مرسل او حکم روایات مسند است. اما این مطلب بدون هیچ ابهامی از متن (الذین عرفوا بانهم لایروون ولایرسلون الا عن من یوثق). به توثیق عام استفاده می‌شود؛ زیرا بیان تصریح دارد که آن بزرگواران روایت نقل نمی‌کنند مگر از ثقه؛ بنابراین مروی عنه آنان به طور عموم هر چند مجهول باشد موثق و معتبر می‌باشد و این یک توثیق عام است بدون هیچ اشکال.

دو اعتبار مراسل مشایخ به طور خاص که گروهی از روایان، هم چون محمد بن ابی عمیر، صفوان و بزندی این چنین‌اند. در بیان شیخ طوسی (ره) آمده است: عملو بمراسیلهم یعنی اصحاب به مراسل مشایخ ثلاث اعتماد می‌کنند. در نقل روایت از آنان، فرقی بین مسند و مرسل نیست؛ چون این مشایخ غیر از ثقه نقل نمی‌کنند. بنابراین خبر مسند را بر مرسل نمی‌توان مقدم نمود. (عدة الاصول، ج ۱، ص ۳۸۷). پس مرسل و مسند مشایخ ثلاث در یک درجه قرار دارند. چنانچه شیخ نجاشی (ره) می‌گوید: اصحاب بر مراسل ابن عمیر (ره) اعتبار دارند. (نجاشی، ۱۴۰۷ هـ ق، قم - ایران، ص ۳۲۶)

د/۱- اشکالات مرحوم خوئی (ره) به توثیقات عام مشایخ ثلاثه.

مرحوم سید خوئی می‌فرماید: (من المطمأن به ان منشأ هذه الدعوى، هو دعوى الكشى الاجماع). (معجم الرجال الحديث، ج ۱، ص ۶۴). مرحوم آقای خوئی فرموده است که گاهی مشایخ ثلاث از افراد ضعیف روایت نقل نموده‌اند، مثلاً صفوان از علی بن حمزه بطائنی روایت نقل می‌نماید، در حال که گفته می‌شود مشایخ ثلاث از غیر ثقه روایت نقل نمی‌کنند، همچنین ابن عمیر از یونس بن ظبیان روایت نقل می‌کند که توسط شیخ طوسی (ره) ونجاشی ضعیف شمرده شده است، همچنین ابی نصر بزنی از عبدالله بن محمد شامی روایت نقل می‌نماید، در حالی که وی ضعیف است. (معجم الرجال الحديث، ج ۱، ص ۶۵ و ۶۶). پس چگونه می‌توان مروی عنه آنان را موثق تلقی کرد و نقل آنان را توثیق عام دانست.

اشکالات مرحوم خوئی (ره) خلل بر مشایخ ثلاثه ایجاد نمی‌کند. اما اشکال اول، که خود شیخ به آن اشاره کرده این است که خبر مرسل ابن ابی عمیر توان معارضه با اخبار مسند را ندارد. پاسخ این است که بله لایعارض به الاخبار المسنده یعنی خبر واحد مرسل ابن ابی عمیر توان معارضه با اخباری زیادی که در باب آمده است ندارد. اما این مطلب دلالت نمی‌کند که مراسیل ابن ابی عمیر معتبر نمی‌باشد.

اما مناقشه شیخ طوسی (ره) نسبت به مرسل ابن مغیره این گونه پاسخ داده شده است که: اولاً ابن مغیره از مشایخ ثلاث نیست و مدعی ما مراسیل مشایخ ثلاث است. اشکال شیخ بر ابن مغیره است.

دوماً: مدلول روایت ابن مغیره این است که مقدار کُر به اندازه قلتین مقدار خاص است و این موافق با مذهب عامه و مخالف نصوص مستفیضه است.

اما پاسخ اشکال دوم که مشایخ ثلاث از ضعف نقل می‌کنند، این است که در صورت وجود تضعیف نسبت به مروی عنه آنان، تعارض بین توثیق عام و خاص صورت می‌گیرد که باید به قواعد باب جرح و تعدیل مراجعه شود، مضافاً بر آن، توثیق عام یک عام قابل تخصیص است. (کلیات و مبانی علم رجال، ص ۹۰).

۲/۲- توثیقات عام غیرمشهور

۲/۲/۱- وکیل امام معصوم (ع)

منظور از وکیل امام (علیه السلام) عده‌ای هستند که در کتاب‌های رجالی توثیقی برای آنان نیامده است، ولی جزء وکلای ائمه (ع) در اقصی نقاط عالم اسلام بوده‌اند. آیا از این وکالت می‌توان وثاقت افراد را در حدیث؛ استفاده کرد؟ جواب مثبت به این سؤال به معنای اثبات یکی دیگر از مصادیق توثیق عام است؛ که آقای سبحانی (حفظه الله) در کلیات علم رجال درباره این مطلب می‌فرید: نعم إذا كان الرجل وکیلا من جانب الإمام طيلة سنوات و لم یرد فيه ذمّ یمکن أن تكون قرینة علی وثاقته و ثبات قدمه، إذ من البعید أن یکون الکاذب وکیلا من جانب الإمام عدّة سنوات و لا یرظهر کذبه. (سبحانی، ۱۳۰۸ هـ-ش، ص ۳۴۵) طرفداران این رأی به روایتی که مرحوم کلینی در الکافی به این مضمون آورده، تمسک کرده‌اند: علی بن محمد، عن الحسن بن عبد الحمید قال: شککت فی أمر حاجز، فجمعت شیئا ثم صرت إلى العسکر، فخرج إلى لیس فینا شک و لا فیمن یقوم مقامنا بأمرنا رد ما معک إلى حاجز بن یزید. (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ح ۱۴، ص ۵۲۱). یعنی حسن بن عبدالحمید می‌گوید: در کار حاجز، وکیل امام حسن عسکری (علیه السلام) شک کردم، پس چیزی جمع کرده به سمت امام حسن عسکری (علیه السلام) حرکت کردم که حضرت به من فرمود: درباره ما وکسی که جانشین ما است، جای شک نیست، آنچه با توست به حاجز بن یزید تحویل بده؛ بنابراین از این حدیث شریف وثاقت وکیل امام استفاده می‌شود. آقای سید کاظم مصطفوی حفظه الله می‌فرماید: تحقیق مطلب این است که وکالت امام معصوم (علیه السلام) نوعی توثیق برای راوی محسوب می‌گردد و عده‌ای از بزرگان مثل صاحب معالم فرموده‌اند: مقام الوكالة یقتضی الثقة، بل مافوقها. (صاحب معالم، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۱۹). یعنی وکیل بودن امام اقتضای وثاقت را دارد، بلکه بالاتر از وثاقت را که عدالت باشد می‌رساند.

مرحوم سید حسن صدر به این نوع وثاقت مخالفت نموده‌اند. (منتهی الدراییه، ص ۴۱۷). به نقل از کلیات ومبانی علم رجال، (ص ۹۱). ولی حقیقت مطلب این است که به تناسب

حکم و موضوع، امام (علیه السلام) در چنین اموری که مسائل دینی مردم باشد کار را به فرد قابل اعتماد واگذار می نماید و مردم نیز به چنین شخصی اعتماد صددرصد دارند، همانطوری که امروزه مردم بانگاه خاصی به نماینده یک مرجع تقلید دارند. (همان)

۲/۲/۲- ترحم اعلام

منظور از این نوع توثیق آن است که اعلام متقدمین شیعه در مورد یک راوی، طلب مغفرت از خداوند کرده باشد که این ترحم نوعی توثیق برای آن راوی تلقی می گردد. ترحم از سوی متقدمین به یک راوی نوع توثیق است چون در سیره آن اعلام می بینیم کسانی که وثاقت ندارند یا کسانی که ظلمه هستند پشت سر آنان تعبیر دیگری را به کار می برند. مرحوم مامقانی می فرماید ترحم اعلام که در حقیقت، عنایت ویژه ای نسبت به راوی تلقی می نماید نوعی تأیید و احترام. (مقیاس الهدایه، ج ۲، ص ۲۲). و این نوع توثیق مورد اعتماد اصحاب امامیه است بیان آن ها متسالم علیه بوده است.

اشکال آقای خوئی (ره)

مرحوم آقای خوئی (ره) می فرماید: ان الترحم هو طلب الرحمة من الله تعالی؛ ترحم اعلام طلب رحمت از خدا است دعای مطلوب و مستحب است ولی طلب ترحم از سوی متقدمین برای کسی دلیل وثاقت او نخواهد بود چنانکه امام صادق (علیه السلام) برای همه ای زوار امام حسین (علیه السلام) دعا کرده اند که قطعاً بین این زوار، افراد فاسقی نیز هستند؛ بنابراین صرف دعا برای کسی علامت وثاقت او نمی گردد. به عنوان مثال نجاشی برای محمد بن عبدالله بن بهلول طلب رحمت نموده است، در حالی که خود شیخ نجاشی آن را توثیق نکرده است، بنابراین صرف توثیق راوی علامت توثیق راوی نیست. (معجم رجال، ج ۱ صفحه ۷۸)

تحقیق مطلب این است که ترحم اعلام، قطعاً مفید فایده است، اگرچه سید خوی گفته است ترحیم فقط دعا است؛ اما این دعا از دعاهای تأثیر گذار است. بی رابطه با توثیق نیست. قابل ذکر است که ترحم این اعلام به صورت دسته جمعی نیست. برای فردی خاصی طلب

شده که نوعی تمجید ضمنی برای چنین افرادی تلقی می‌گردد. ولی دعا برای زوار امام حسین (علیه السلام) نیز نشان‌گر تأثیر این زیارت است. افرادی که فقط به قصد زیارت امام حسین (علیه السلام) می‌روند تا زمانی که دلیل خاصی بر عدم وثاقت آنان نباشد، موثق خواهند بود. (کلیات ومبانی علم رجال، ص ۹۶).

۲/۲/۳- اجازه مشایخ اجازه

شیخ اجازه بودن حاکی از یک رابطه علمی معرفتی بین مجیز و مجاز است. شیخ اجازه خود باید در حد اجتهاد مطلق یا در حد اجتهاد متجزی بوده باشد وگرنه اهلیت اجازه دادن نقل روایت به غیر را ندارد. گروهی از راویان حدیث، (اصل روایت، یا کتاب حدیثی را) برای افرادی اجازه داده‌اند که از آنها به مشایخ اجازه یاد می‌شود و از آنجا که اجازه دادن روایت حدیث (در زمان گذشته از برخورداری شخص مجیز از جایگاه و مرتبه‌ای بلند در حدیث حکایت داشته) از این رو گفته شده است؛ مشایخ اجازه جزء ثقات محسوب شده و نیاز به توثیق جدیدی ندارد، حتی اگر نام آنان در منابع رجالی نیامده باشد، محکوم به وثاقت هستند. در سیره عملی چنین بوده است که مراجع و مجتهدین مسلم، اجازه نقل روایت به طلاب می‌دادند. کسی که اجازه می‌دهد خود باید مجتهد مسلم باشد و هرکسی نمی‌تواند اجازه بدهد و از طرفی کسی که اجازه می‌گیرد از نظر علمی و وثاقت، در حد بالا باشد در واقع مقدمه‌ای برای اجتهاد تلقی می‌شود و از این جهت، اجازه روایت فقط به معنی جابه‌جا کردن مکان روایت نیست، بلکه یک نوع تصدیق علمی تلقی می‌گردد.

۲/۲/۳/۱- فرق شیخ روایت با شیخ اجازه

منظور از شیخ روایات کسی است که خودش دارای کتاب روایی نیست او از کتب دیگران نقل می‌کند، اما شیخ اجازه دارای کتاب است و اجازه نقل از روایات کتابش را می‌دهد. (مقیاس الهدایه، ج ۲، ص ۲۲۲، به نقل از کلیات ومبانی علم رجال). اجازه مشایخ اجازه دو نقش افا می‌کند اول مهر تأیید بر وثاقت و آشنایی با علم حدیث و مورد اعتماد بودن شخص اجازه‌گیرنده است. دوم این اجازه کاشف از عدالت و وثاقت صحت اعتبار روایت

اجازه دهنده است؛ زیرا اگر مورد اعتماد جامعه روات نبودی دیگران از او اجازه نمی‌گرفت. ولی بعضی از بزرگان (نقش دوم را) قبول ندارد. می‌فرماید: اجازه شیخ اجازه به شاگردش، بر صحت حکایت از شیخ و در روایت و دقت اشنایی با ادبیات عرب اجازه گیرنده دلالت دارد ولی هیچ ملازمه‌ای با وثاقت اجازه دهنده ندارد. به طور مسلم، نقل راوی ثقه از شخصی، دلالت بر وثاقت مروی عنه ندارد. بهترین تأیید بر این مطلب تضعیف حسن بن محمد یحیی و حسین بن حمدان حقیقتی توسط شیخ نجاشی است، در حالی که هر دو نفر، شیخ اجازه بوده‌اند. (معجم الرجال الحدیث، ج ۱، ۷۶).

اما نظر مشهور این است که شیخوخه اجازه برای وثاقت خود آن شیخ کافی است. شیخ عاملی صاحب معالم فرمایش مبسوطی دارند که خلاصه آن این چنین است که شیخ با اجازه قراین و مراجعات و اعتماد روات در جایگاه بلندی از اعتبار قرار دارد که در حقیقت اجازه گرفتن از او فرع داشتن یک مقام بالاتر از اعتبار است. از این رو می‌توان گفت که شیخوخه یعنی اثبات اعتبار برای شیخ از طریق مشایخ. (منتقى الجمان، ج ۱، ص ۳۰).

تحقیق مطلب این است که شیخوخه از طریق دارای جایگاه رفیعی است و بدون شک این مقام بالاتر از حد وثاقت است؛ اما اگر در آن حد نباشد، می‌تواند در حد یک شیخ اجازه موجب مدح ابتدایی شود. (گلیات و مبانی علم رجال، ص ۹۶).

۲/۲/۳/۲ - سایر توثیقات عام

(الف) مصاحبت با امام معصوم علیه السلام، (ب) تألیف کتاب، یا صاحب اصل (ج) کثرت روایت از معصوم علیه السلام نیز از جمله عناوینی است که به عنوان توثیقات عام غیر مشهور ارائه شده است. (معجم الرجال الحدیث، ج ۱، ص ۷۲). با احتساب این چهار عنوان مجموعه توثیقات عام ۱۲ مورد خواهد بود. طبق مدعای برخی، مصاحب امام بودن، وثاقت شخص را اثبات می‌کند، در حالی که میان مصاحبت و وثاقت ملازمه نیست همان گونه که ما همه اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله را به خاطر مصاحبت با آن حضرت عادل نمی‌دانیم از سوی دیگر شماری از صاحبان کتاب، یا اصل جزء راویان ضعیف، یا حتی

کذاب‌اند با این حال صاحب کتاب، یا اصل بودن به هیچ وجه وثاقت شخص را اثبات نمی‌کند. رحمت فرستادن و طلب مغفرت کردن نیز از کارهایی است که در شرع بدان توصیه شده و همان گونه که مناسب است برای مؤمنین فاسق نیز طلب مغفرت کرد. از این رو تنها مشرکان و کافران از طلب مغفرت استثناء شده‌اند؛ بنابراین اگر امثال شیخ مفید، یا شیخ صدوق برای کسی طلب مغفرت نمایند به معنای توثیق آنان نیست، چنان که برای اشخاص معروف به فسق، هم چون اسماعیل حمیری، یا محمد بن عبدالله بن بهلول طلب مغفرت شده با آن که عدم وثاقت آنان آشکار بوده است (همان، ص ۷۸) کثرت روایت از معصوم علیه السلام را از این جهت نشان‌گر توثیق دانسته‌اند که در برخی از روایت آمده است: اعرفوا منازل الناس منا علی قدر روایاتهم عتاً؛ منزلت اشخاص نزد ما را بر اساس میزان روایاتی که از ما نقل کرده‌اند بشناسید. کافی، ج ۱، ص ۵۰. در برخی از روایات به جای کلمه الناس کلمه الرجال آمده است. (وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۵۰) در حالی که این روایات از نظر سندی ضعیف‌اند؛ و از نظر دلالت نیز ناظر به راویان ثقه‌ای هستند که احادیث را از محضر امامان معصوم علیه السلام تلقی کرده‌اند. وگرنه ممکن است راویان کذاب بیش از راویان ثقه از ائمه علیه السلام روایات را نقل کرده باشند (معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۷۴-۷۵).

۳- جمع بندی

خلاصه‌ای این تحقیق توثیقات به دو قسم است؛ توثیق عام و توثیق خاص، مراد از توثیق خاص آن است اول آنکه: نص بر توثیق باشد نه مدح و ترحم. دوماً: بیان‌کننده چنین توثیقی یکی از اعلام متقدمین در علم رجال و درایه باشد. اما منظور از توثیقات عام که مورد بحث ما است، در این مورد راه‌های وجود دارد که راویانی به صورت عام و در قالب یک عناوینی کلی، توثیق می‌شود. مثل اصحاب اجماع، مشایخ و سلسله راوی که در سند کامل زیارات .. است؛ به عنوان ثقه معرفی می‌کند. از این رویش به توثیقات عام تعبیر می‌شود. عنوان

اصحاب اجماع، برگروهی ویژه از راویان احادیث در سده‌های دوم و سوم هجری قمری که از بزرگان پرورش یافته‌ای مکتب امام باقر، امام صادق، امام کاظم و امام رضا (علیهم السلام) به شمار می‌روند. بر توثیق روایاتشان و نیز مقام علمی و فقاہتشان اجماع و اذعان شده است، اطلاق می‌شود؛ که در مجموع ۲۲ تن از راویان مهم را در برمی‌گیرد، گسترده‌ترین و مهم‌ترین شیوه در میان توثیقات عام به شمار می‌رود. و اصول مربوط به توثیق عام عبارتند از اصالة العدالة: یعنی اصل درباره راوی عدالت است که اگر قرینه و دلیلی از خارج درکار نبود به مقتضای آن عمل می‌کنیم. اصالة الصحة: این اصل یک اماره عقلای است، دلیل اصلی آن سیره عقلا است و راوی که روایت را نقل می‌کند، اگر احتمال برخلاف نبود، حمل بر صحت کرده تصدیق می‌کنیم. و اصالة عدم الوثاقه: در علم رجال بنابراین است که باید از وثاقت فحص شود، وثاقت یک امر وجودی است و نیاز به اثبات دارد. این در حقیقت معنای اصالة عدم وثاقت است. مباحث اصلی توثیقات عام عبارتند از: توثیقات عام مشهور: رجالیون موارد متعددی برای توثیق عام ذکر نموده اند که مهم‌ترین آنها عبارت است از سند تفسیر قمی، سند کامل الزیارة، مروی عنه اصحاب اجماع؛ که در ضمن این، بحث از دسته بندی اصحاب اجماع مطرح می‌شود آن‌ها به سه دسته شش نفری تقسیم شده و درباره هر دسته، وصف خاص آن آورده شده است که مجموع اصحاب ۱۸ نفرند و همه ای آنان فقیه اند. توثیقات عام مشایخ ثلاثه و اعتبار مراسل. از تعدادی از بزرگان حدیث و راویان مشهور به عنوان مشایخ ثقات یاد شده و از این عنوان دو امر استفاده می‌شود یک: تمام کسانی که مشایخ ثقات از آنان روایات کرده اند در حکم ثقه خواهند بود. دو: همان گونه که به مسانید آنان عمل می‌شود، به مراسیل (روایات مرسل) آنان نیز عمل می‌گردد. از موارد توثیقات عام مشهور، توثیقات مشایخ ثلاثه است که آن‌ها عبارتند از محمد بن عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی.

توثیقات عام از نظر میزان اعتبار و میزان توجه علمای رجال به آنها دارای سطوح مختلف اند. عناوینی؛ هم چون اصحاب اجماع در عالی ترین سطح اعتبار و توجه قرار دارد و عناوینی؛ هم چون مصاحبت معصوم صاحب کتاب، یا اصل بودن در پایین تر سطح قرار دارد. به نظر می رسد از میان ۱۲ عنوان توثیقات عام تنها سه عنوان از اعتبار و توجه رجالیون، برخوردار است که عبارتند از: ۱- اصحاب اجماع، ۲- مشایخ اجازه، البته در سه مورد نخست؛ یعنی محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی. ۳- راویان که واقع شده در سند کامل الزیارت ابن قولویه به رغم مخالفت با توثیقات عام، به ویژه مواردی، هم چون اصحاب اجماع که از اعتبار قابل توجهی برخوردارند، باید توجه داشت، که این عناوین به توثیق کامل راویان مورد نظر نه انجامید، بلکه بعنوان کمک و تقویت دلیل خاص بوده همواره به عنوان قرینه ای برای اثبات وثاقت به کار رفته است. به عبارت روشن تر به خاطر حساسیت و دقت که در بررسی سندی روایات علمای مذهب امامیه داشته اند و نیز ضرورت دستیابی به وثاقت، یا عدالت راویان برای اثبات صحت آنها، آنچه که مورد نظر رجالیون بوده و در مقام عمل بدان پایبند بوده و هستند، دستیابی به توثیقات خاصه است و از توثیقات عامه برای تأیید و کمک به توثیقات خاص استفاده شده است. اگر بعضی از توثیقات عامه (صاحب کتاب روایی و اصل، مصاحب امام بودن) رد شده مورد قبول واقع نشده است. این کاشف از دقت نظر و پای بندی در مسائل دینی و دنیای ای مردم نظد علماء شیعه است. معاش معاد مردم برای آنها اهمیت دارد؛ زیرا در جامعه دینی تمام هنجارها و ناهنجارها از دین مذهب جامعه بر می خیزد. آداب معاشرت و قوانینی مدنی و حکومتی از دین و مذهب یک ملت برگرفته است.

کتابنامه

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفکر - دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- ۲- خویی، سید ابو القاسم موسوی، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال، ۲۴ جلدی
- ۳- خویی، سید ابو القاسم موسوی، منهاج الصالحین، ۲ جلد، نشر مدینه العلم، قم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- ۴- خوئی، ابوالقاسم، مصباح الاصول، مکتبه الداوری، قم، پنجم، ۱۴۱۷ ق،
- ۵- درس خارج آیت الله مصطفوی نیا ۱۳۹۰/۹/۲۳.
- ۶- سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۲۱ هـ-ق
- ۷- طوسی، محمد حسن، عدة الاصول، بی تا و بی جا
- ۸- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، الفصول المهمة فی أصول الأئمة، مؤسسه امام رضا علیه السلام، ۱۴۱۸ هـ.ق، اول، قم- ایران، ج ۱،
- ۹- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دار الکتب، چ سوم، قم، ۱۳۶۳ هـ-ش،
- ۱۰- قمی، ابن قولویه، ابو القاسم، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، دار المرتضویة، نجف اشرف - عراق، اول، ۱۳۹۸ هـ.ق.
- ۱۱- کشی، ابو عمرو، محمد بن عمر بن عبد العزیز، رجال کشی، نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۹۰ هـ.ق،
- ۱۲- محمد محسن ابن شاه مرتضی، الوافی، نشر کتابخانه امام امیر المؤمنین، ۱۴۰۶ هـ.ق،
- ۱۳- مصطفوی، کاظم، کلیات و مبانی علم رجال، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ اول، ۱۳۹۲ ش،
- ۱۴- نوری، محدث، میرزا حسین، خاتمة المستدرک، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۷ هـ.ق، اول، قم-